كاركرد خانواده از ديدگاه روان‏شناسى با نگرش به منابع اسلامى

 داود حسينى1

چكيده

امروزه به تبع تغيير و تحولات گسترده در عرصه‏هاى اجتماعى و تأثيرپذيرى جوامع از فرهنگ‏هاى بيگانه و نيز هجمه گسترده برخى فرهنگ‏ها به ارزش‏ها و هنجارهاى ملى و سنتى، كاركرد خانواده دچار تغييرات بسيارى شده است. اما به رغم اين تحولات، خانواده توانسته است نقش خود را در تعليم و تربيت، انتقال افكار و ارزش‏ها، تأمين نيازهاى مادى و معنوى و انتقال مفاهيم عميق اخلاقى و اجتماعى ايفا نمايد.

 بررسى كاركردهاى خانواده از موضوعاتى است كه مورد توجه صاحب‏نظران رشته‏هاى مختلف مانند روان‏شناسى، جامعه‏شناسى و روان‏درمانگرى قرار گرفته، به گونه‏اى كه برخى كاركردهاى خانواده را مى‏توان از مباحث بين‏رشته‏اى برشمرد.

 اگر خانواده به دلايلى همچون فقر، بى‏سوادى، ناآگاهى اجتماعى و اقتصادى، و نداشتن تكيه‏گاه براى تأمين نيازهاى مادى و معنوى، قادر به انجام كاركردهاى خود نباشد، به‏ناچار اعضاى آن براى تأمين نيازهاى خود به خارج خانواده روى مى‏آورند و در نتيجه، دچار مشكلات رفتارى، ارزشى، اخلاقى و هنجارى مى‏شوند. اين مقاله با بهره‏گيرى از روش توصيفى ـ تحليلى و جمع‏آورى اطلاعات به روش كتابخانه‏اى، به بررسى اين موضوع پرداخته است.

كليدواژه‏ها: خانواده، كاركرد، ايفاى نقش، ارتباط، كنترل، دخالت عاطفى.

مقدّمه

خانواده در ساختار جامعه، همچون «اتم» در ساختمان اجسام طبيعى است. در ساختمان «اتم» دو جزء اصلى به نام‏هاى «الكترون» و «پروتون» وجود دارد. اين دو جزء در حال جذب و انجذاب يكديگرند، با اين تفاوت كه هر يك نقش ويژه‏اى دارند. «پروتون» هسته مركزى است و «الكترون» ضمن تكاپوى شبانه‏روزى، همواره بر گرد مركز خود مى‏چرخد و از حوزه جاذبه محور مركزى خود خارج نمى‏شود و از آن فاصله نمى‏گيرد و اگر نيروى شكننده اتم ـ كه نيروى قهرى و غيرطبيعى است ـ اين دو جز مكمل را از حوزه جذب و انجذاب يكديگر خارج كند نيروى عظيمى رها مى‏شود كه مى‏تواند ويرانى‏هايى نيز به بار آورد!

 زن و مرد دو جزء مكمل يكديگر و سازنده «اتم خانواده» هستند. مرد «الكترون‏وار» بر محور وجود زن ـ كه در حكم پروتون است ـ مى‏چرخد. براى اينكه اين «اتم» متلاشى نگردد، مرد نبايد از حوزه جذب و انجذاب همسر خويش خارج شود و زن نيز نبايد جاذبه وجودى خود را در كشش شوهر از دست بدهد. همان‏گونه كه اتم طبيعى مى‏تواند كاركردهاى بسيارى داشته باشد، اتم خانواده نيز كه از دو جزء مكمل تشكيل شده است مى‏تواند كاركردهاى زيادى داشته باشد و اگر اين اتم شكسته شود، نه تنها كاركردهاى لازم را نخواهد داشت، بلكه به يك نيروى مخرّب تبديل خواهد شد كه عرش الهى را به لرزه درخواهد آورد.

 از ديدگاه روان‏شناسى، خانواده يكى از نهادهاى زيربنايى بنياد و از ساختارهاى اصلى جامعه به شمار مى‏آيد كه همگام با ديگر ساختارهاى جامعه در راه رشد و تعالى شخصيت انسان گام برمى‏دارد. اين نهاد مقدس طى قرون متمادى و بخصوص در چند قرن اخير، شكل‏هاى متفاوتى را تجربه كرده و در فرهنگ‏هاى گوناگون قالب‏هاى متفاوتى را به خود گرفته است. با وجود اين، خانواده در شكل‏هاى مختلف آن همواره كاركردهاى مهمى را دارا بوده است.

 مطالعه كاركردهاى خانواده از ديرباز مورد توجه روان‏شناسى قرار گرفته است، به گونه‏اى كه يكى از بخش‏هاى مهم روان‏شناسى خانواده‏درمانى است كه به معضلات خانواده و ناتوانى خانواده در انجام وظايف و كاركردهاى ناقص و شيوه‏هاى درمان آنها مى‏پردازد. در كنار ديدگاه روان‏شناسى در زمينه كاركرد خانواده، اسلام هم با پيشينه بيش از 1400 سال، تشكيل خانواده را مورد تأكيد قرار داده تا جايى كه هيچ بنايى را محبوب‏تر از خانواده در نزد خداوند نمى‏داند2 و براى سلامت خانواده كاركردهايى را براى آن تعريف كرده است.

 با توجه به اهميت خانواده، اين نوشتار بر آن است كه رويكرد روان‏شناسى به كاركردهاى خانواده را مورد بررسى قرار دهد و نگرش اسلام را در اين زمينه جويا شود. بنابراين، سؤال اساسى اين است كه كاركردهاى خانواده از ديدگاه روان‏شناسى كدامند و نظر اسلام درباره آنها چيست؟

كاركرد خانواده

در زمينه كاركرد خانواده، هم روان‏شناسان و خانواده درمانگران و هم جامعه‏شناسان به بحث و بررسى پرداخته‏اند، و هريك به گونه‏اى براى خانواده كاركردهايى را بيان كرده‏اند.

 ويليام آگبرن3 و كلارك تيبيتس4 دو تن از جامعه‏شناسان در سال 1934 شش كاركرد اساسى را براىخانواده مورد تأكيد قرار دادند كه عبارتند از: توليدمثل، حمايت و مراقبت، جامعه‏پذيرى، تنظيم رفتار جنسى، عاطفه و همراهى و تأمين پايگاه اجتماعى.5 اگرچه خانواده كاركردهاى ديگرى هم دارد؛ مانند: آموزش، تربيت دينى، تأمين نيازهاى اقتصادى، رشد و تثبيت شخصيت و...، ولى شش مورديادشده از كاركردهاى مهم براى خانواده است.

 استين هاور و همكارانش، فرايند كاركرد خانواده را در طول پنج بعد مطرح كردند كه عبارتند از: 1. انجام وظيفه؛ 2. ايفاى نقش؛ 3. ارتباط (از جمله ابراز عاطفى)؛ 4. دخالت عاطفى؛ 5. كنترل.6

 اگرچه اين دو ديدگاه جامعه‏شناسانه و روان‏شناسانه در مورد كاركرد خانواده نقاط مشتركى با يكديگر دارند، ولى از جهاتى با هم متفاوتند. اما آنچه داراى اهميت است توجه به كاركرد خانواده در هر دو رشته علمى است و اين امر اهميت پرداختن به بحث كاركرد خانواده و انتظارى را كه از خانواده مى‏رود روشن مى‏نمايد. اين مقاله به كاركردهاى خانواده از ديدگاه روان‏شناسى مى‏پردازد و نقشى را كه اعضاى خانواده مى‏توانند در اين زمينه داشته باشند مورد بررسى قرار مى‏دهد.

فرايند كاركرد خانواده

 1. انجام وظيفه

وظايف خانواده را مى‏توان به سه طبقه تقسيم كرد:7

الف. وظايف پايه: شامل امورى از قبيل تأمين نيازهاى اوليه مانند خوراك، پوشاك، مسكن، امنيت و مراقبت بهداشتى مى‏باشد.

ب. وظايف تحولى: وظايفى هستند كه بايد براى تضمين رشد سالم اعضا به موازات برآوردن نيازهاى اوليه زندگى مورد توجه قرار گيرند. اين نيازها عبارتند از: فراهم آوردن زمينه آموزش و كمال خانواده، تأمين محبت، تكريم متقابل، درك متقابل، ايجاد صميميت ميان همسران باهم و والدين با فرزندان.

ج. وظايف بحرانى: وظايف خانواده در حوادث و رخدادها و مهارت توانايى مقابله با آنها را مورد توجه قرار مى‏دهد. اين وظايف شامل رويارويى با وقايع غيرمنتظره همچون مرگ عضوى از اعضاى خانواده، بيمارى شديد يكى از اعضاى خانواده، از دست دادن شغل، و نقل‏مكان از يك شهر به شهر ديگر مى‏شوند.

 وظايف پايه، تحولى و بحرانى، سلسله مراتب دارند؛ بدين صورت كه اگر وظايف پايه خوب انجام نگيرند ممكن نيست ديگر وظايف (تحولى و بحرانى) انجام پذيرند؛ چنانچه وظايف تحولى صورت نگيرند وظايف بحرانى هم خوب انجام نخواهند گرفت.

ناتوانى در انجام وظيفه

موفقيت خانواده در هر يك از وظايف پايه، تحولى و بحرانى سبب مى‏شود كه خانواده از اين لحاظ دچار كاركردى مطلوب باشد و آرامش نسبى در خانواده حاكم شود. اما شكست در هر يك از اين وظايف، خانواده را دچار سردرگمى و ويرانى مى‏نمايد.

 زندگى خانوادگى، نوعى زندگى اجتماعى است كه بر پايه تعاون و همبستگى و همكارى اعضا سامان مى‏يابد. همان‏گونه كه در زندگى اجتماعى، انسان‏ها بدون يارى همديگر نمى‏توانند نيازهاى زيستى و روانى خود را برآورده نمايند، اعضاى خانواده نيز براى برآورده شدن نيازهايشان به يارى يكديگر نيازمندند.

 عدم موفقيت در تأمين نيازهاى اوليه خانواده، عوارض ناگوارى را براى خانواده به همراه دارد. روى آوردن به سرقت و بزه‏كارى، و تن دادن به خودفروشى در بين زنان بخشى از آثار ناتوانى خانواده در انجام وظيفه پايه است. همچنين ناتوانى در انجام وظايف تحولى، خانواده را دچار مشكلات عاطفى و روانى مى‏كند. بسيارى از اختلالات و نارسايى‏هاى شخصيتى، خلقى و رفتارى ريشه در بى‏توجهى به انجام وظايف تحولى دارد. همه انسان‏ها نيازمند محبت، عاطفه و توجه ديگرانند و همچنين براى پرورش كمالات انسانى در خود، بايد به ديگران محبت كنند.8 همچنان‏كه آبراهام مزلو در هرم نيازهاى خود، از دوست داشتن و دوست داشته شدن به عنوان يك نياز روحى نام مى‏برد؛ يعنى همان‏گونه كه انسان از عاطفه و توجه خويش ديگران را بهره‏مند مى‏سازد، دوست دارد از عواطف و ابراز محبت ديگران بهره‏مند شود. بخصوص اين ابراز محبت از سوى اعضاى خانواده براى آنها از اهميت ويژه‏اى برخوردار است.9 اگر خانواده نتواند اين نياز اعضاى خود را ارضا كند، اعضاى آن دچار اختلالات روحى ـ روانى مى‏شوند.

 انجام وظايف در مرحله بحرانى از اهميت خاصى برخوردار است. بيمارى يكى از عزيزان ممكن است از لحاظ عاطفى تكان‏دهنده باشد. فقدان فردى از اعضاى خانواده يا دوستى صميمى، يكى از تنيدگى‏زاترين حوادثى است كه فرد در زندگى خود بدان دچار مى‏شود و روند جبران آن ممكن است طولانى و دردناك باشد. خانواده و اطرافيان مى‏توانند نقش مؤثرى در كاهش تألمات روحى داشته باشند؛ تحمل مصايب را براى يكديگر آسان‏تر كنند و با ابراز محبت و ارائه كمك‏هاى مادى و معنوى با بحران به وجود آمده مقابله نمايند.

 كوتاهى در انجام وظايف در مرحله بحرانى، مى‏تواند ضربات جبران‏ناپذيرى بر جاى گذارد. از آن‏رو كه افراد داغ‏ديده، بيمار و غريب از مايه‏هاى عاطفى بيشترى برخوردارند و به خاطر سختى شرايطى كه در آن واقع شده‏اند عواطفشان جريحه‏دار گرديده، نياز به توجه بيشترى دارند. اگر اعضاى خانواده نتوانند در چنين موقعيت‏هاى دردآور مرهمى بر زخم‏هاى اطرافيان خود باشند، خانواده اميد خود را به حيات از دست خواهد داد و دچار يأس و نااميدى خواهد شد.10

 در منابع اسلامى نسبت به انجام وظيفه براى اعضاى خانواده سفارش‏هاى زيادى شده است، انجام وظيفه پايه به عنوان يكى از وظايف اساسى مردان، از اهميت خاصى برخوردار است.

 پيامبر گرامى صلى‏الله‏عليه‏و‏آله مى‏فرمايند: «از ما نيست كسى كه از لحاظ مال و ثروت در وسعت باشد، اما بر اهل و عيالش سخت بگيرد.»11

 امام موسى كاظم عليه‏السلام مى‏فرمايند: «عيال مرد، اسيران او هستند؛ پس هر كس خدا به او نعمتى داده بايد در مخارج اسيرانش توسعه بدهد، وگرنه ممكن است نعمت‏هايش گرفته شود.»12

 در مباحث حقوقى اسلام، زن و فرزندان به عنوان واجب‏النفقه مرد شناخته مى‏شوند؛ يعنى مرد بايد هزينه‏هاى ضرورى همسر، از جمله غذا، مسكن و لباس و حتى وسايل زينت و آرايش وى مانند عطر و خضاب را تأمين نمايد. پيامبر گرامى صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهمى‏فرمايند: «خوراك و پوشاك زنان به نحو متعارف بر شما واجب است.»13 امام صادق عليه‏السلام نيز مى‏فرمايند: «الكاد على عياله كالمجاهد فى سبيل‏اللّه»؛14 كوشش در جهت برآوردن نيازهاى خانواده، مانند جهاد در راه خداوند است.

 اسلام در زمينه وظايف تحولى، به همسران سفارش مى‏كند كه نسبت به يكديگر با احترام و صميميت برخورد كنند. قرآن كريم مى‏فرمايد: «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ» (بقره: 187)؛ آنان لباس شما هستند و شما لباس آنانيد. به تعبير قرآن، همسران بايد براى يكديگر آرايشگر، آرامش‏بخش، محبت‏آفرين و كمال‏آفرين باشند.

 پيامبر گرامى صلى‏الله‏عليه‏و‏آله مى‏فرمايند: «كسى كه زن مى‏گيرد بايد او را احترام كند.»15 حضرت على عليه‏السلامنيز در خطبه «عيد قربان» در خصوص وظيفه مردان نسبت به همسرانشان مى‏فرمايد: «در هر حال با ايشان مدارا كنيد، و با آنان گفتارى نيك داشته باشيد، شايد كردارشان را نيك سازد.»16

 با توجه به آيات و روايات، انجام وظايف يكى از اساسى‏ترين كاركردهاى خانواده از ديدگاه اسلام است و همسران علاوه بر تأمين نيازهاى مادى اعضاى خانواده و انجام وظايف پايه، نبايد نسبت به وظايف تحولى، يعنى ابراز محبت و احترام به يكديگر و ساير اعضاى خانواده، كوتاهى نمايند.

 2. ارتباط

يكى ديگر از كاركردهاى خانواده، كاركرد ارتباط است. در نگاه اول، كلمه «ارتباط» كلمه‏اى تعريف شده و بى‏نياز از توضيح به نظر مى‏رسد. اما اگر كمى دقت كنيم از خود خواهيم پرسيد: راستى ارتباط يعنى چه؟ و عملكرد آن چگونه است؟

 بروكس و هيث17 ارتباط را فرايندى مى‏دانند كه طى آن، اطلاعات، معانى و احساسات را از طريقپيام‏هاى كلامى و غيركلامى با ديگران در ميان مى‏گذاريم.18

 با توجه به بررسى‏هاى به عمل آمده، هر ارتباط سالم و سازنده‏اى از سه ويژگى مهم و كليدى برخوردار است:

 1. سادگى و صداقت: در يك ارتباط سالم، اشخاص بدون پرده‏پوشى نقطه‏نظرهايشان را بيان مى‏كنند و احساسات خود را صادقانه در ميان مى‏گذارند، خواه اين احساسات مثبت و يا منفى باشد.

 2. همدلى و توجه: در يك ارتباط سالم، هريك از طرفين به احساسات و حال طرف مقابل بها مى‏دهد و مى‏كوشد تا او را درك كند.

 3. احساس امنيت و اعتماد: در يك ارتباط سالم، طرفين به يكديگر اعتماد دارند و به اندازه كافى احساس امنيت‏خاطر مى‏كنند تا مسائل و مشكلات خود را به طرزى سازنده با هم در ميان بگذارند.19

انواع ارتباط: به طور كلى مى‏توان ارتباط بين اعضاى خانواده را به دو بخش كلامى و غيركلامى تقسيم كرد:

 الف. ارتباط كلامى: بخش عظيمى از ارتباط زوج‏ها به وسيله جنبه‏هاى گفتارى، يعنى زبان و ابرازهاى كلامى، همراه است و اين گفتار علاوه بر محتوا، از طريق تُن صدا، سرعت گفتار، مقدار گفتار و لحن آنها مى‏تواند اثرگذار باشد.

 ارتباط كلامى به دليل آنكه روشن و صريح است، كمتر طرف مقابل را دچار سردرگمى و اشتباه مى‏كند و مى‏تواند نياز گوينده را بهتر درك كند و به آن پاسخ مناسب دهد. از اين‏رو، لازم است خانواده‏ها براى درك بيشتر يكديگر زمانى را براى گفت‏وگوى با هم قرار دهند. اين مسئله براى زنان از اهميت بيشترى برخوردار است. زنى كه دچار اضطراب است به طور غريزى احساس مى‏كند به گفت‏وگو درباره احساساتش و نيز مسائل احتمالى مرتبط با احساساتش نيازمند است.

 زنان براى آنكه احساس بهترى كسب كنند، درباره مسائل گذشته و آينده و حتى مسائلى كه راه‏حلى براى آنها وجود ندارد، صحبت مى‏كنند. هرچه بيشتر حرف مى‏زنند و توضيح مى‏دهند، احساس بهترى پيدا مى‏كنند.

 ب. ارتباط غيركلامى: ارتباط غيركلامى بسته به بافت ارتباط، اهداف مختلفى را برآورده مى‏سازد. ارتباط غيركلامى مى‏تواند به طور كامل جايگزين گفتار شود. مثلاً، يك شخص كر و لال را در نظر بگيريد. او براى برقرارى ارتباط، فقط از دست‏هايش استفاده مى‏كند. ما نيز گاهى اوقات اصلاً نمى‏توانيم از كلمات استفاده كنيم، به همين دليل به حركات بدن خود متوسل مى‏شويم.

 رفتارهاى غيركلامى علاوه بر اينكه مكمل گفتارند، حالات عاطفى را نيز مى‏رسانند و بر غناى كلماتى كه نشانگر حالات هيجانى ما هستند مى‏افزايند. براى مثال، هنگام خوشحالى لبخند مى‏زنيم و در مواقع تعجب نفس نفس مى‏زنيم.

 رفتار غيركلامى به عنوان يكى از اجزاى جدانشدنى فرايند ارتباط، تأكيد ما را بر بخش‏هاى كلامى مى‏افزايد و به تنظيم جريان ارتباط سخنگو و شنونده كمك مى‏كند.20

 در تعاليم و توصيه‏هاى اسلام، به ارتباط سالم بين اعضاى خانواده سفارش‏هاى زيادى شده است. قرآن كريم در ارتباط مردان با همسرانشان مى‏فرمايد: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: 19)؛ با آنان به شايستگى ارتباط برقرار كنيد.

 اسلام براى استحكام بناى خانواده به زوجين سفارش مى‏كند كه به يكديگر محبت نمايند و اين محبت را در رفتارهاى كلامى و غيركلامى خود نشان دهند. رسول گرامى صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در جواب زنى به نام حولاء كه از وظيفه زن نسبت به همسر خود سؤال كرد، فرمودند: «... اى حولاء حق مرد بر همسرش اين است كه به خانه‏اش پايبند باشد، با او مهربانى كند و محبت بورزد و نسبت به او دلسوز باشد.»21

 نشستن زوجين در كنار هم و گفت‏وگو كردن با هم، از اعتكاف در مسجدالنبى برتر دانسته شده است. پيامر گرامى صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهمى‏فرمايند: «نشستن مرد نزد همسرش، نزد خداوند از اعتكاف در مسجد من (مسجدالنبى) برتر است.»22

 همه اين آيات و روايات اهميت ارتباط سالم و آرامش‏بخش اعضاى خانواده با يكديگر را مى‏رساند. در روابط سالم و صحيح، طرفين در مبادله عواطف و احساسات در فضايى مناسب مشاركت مى‏نمايند، با يكديگر هماهنگى پيدا مى‏كنند و در اين ارتباط عاطفى، تبادل محبت و عواطف به وجود مى‏آيد و كمبود توجه و احساسات مثبت از سوى اطرافيان جبران مى‏شود و خلأ عاطفى از ميان مى‏رود. اين نوع رابطه مى‏تواند به صورت ابراز علاقه، گفت‏وگوهاى دوطرفه و درك طرف مقابل نمايان شود.

 3. نقش‏ها

يكى از كاركردهاى ديگر خانواده تعيين نقش‏هاست. نقش‏ها در قالب «رفتارهاى توصيه شده و تكرارى موجود در مجموعه‏اى از فعاليت‏هاى دوجانبه با ساير اعضاى خانواده» تعريف شده است.23

 انجام وظيفه نيازمند اين است كه تخصيص نقش متناسبى وجود داشته باشد و اعضاى خانواده فعاليت‏هاى خواسته شده را بر اساس تخصيص نقش، انجام دهند. نقش‏ها بايد تخصيص يابند، توافق صورت گيرد و به عمل درآيند. همچنين بايد اعضاى خانواده با يكديگر يكپارچه گردند. براى اينكه يك وظيفه به نحو شايسته‏اى انجام گيرد، بايد نقش‏ها همه آنچه را كه بايد انجام شود دربر گيرند.

 تعيين نقش‏ها در خانواده براى اعضاى خانواده از اهميت خاصى برخوردار است و در ايجاد آرامش روانى بسيار مؤثر است.

 در خانواده‏هاى سنتى بسيارى از نقش‏ها وجود دارد كه بايد يكى از اعضاى خانواده آن را به عهده بگيرد، ولى به شيوه‏هاى رسمى و تقسيم كار تخصيص نمى‏يابد، بلكه بيشتر به صورت الگوهاى عادتى نقش اختصاص مى‏يابد. مثلاً، زنان خانه كاركردهاى داخل خانه را انجام مى‏دهند و مردان و كودكان كارهاى خارج از خانه را بر عهده مى‏گيرند. در ميان زنان هم نوعى تخصيص نقش صورت مى‏گيرد. كارهاى سنگين و مهم خانواده بر عهده مادر خانواده و كارهاى سبك و ساده بر عهده دختران گذاشته مى‏شود و همچنين در ميان مردان.

 براساس الگوى مك مستر، نقش‏هاى خانواده به دو بخش متمايز تقسيم مى‏گردند: نقش‏هاى «ضرورى» و «ساير نقش‏ها».

 كاركردهاى ضرورى، شامل تأمين امور مادى، تغذيه، حمايت اعضاى خانواده، ارضاى جنسى زن و شوهر، ايجاد مهارت‏هاى زندگى و حفظ و كنترل نظام خانواده مى‏شود.

 «ايجاد مهارت‏هاى زندگى» شامل حمايت فرزندان در مدرسه، مساعدت اعضاى بالغ در كسب و حفظ شغل و يارى آنها در رشد شخصى‏شان مى‏شود. «كنترل و حفظ سيستم‏ها دلالت بر تأمين سرپرستى خانواده و فرايند تصميم‏گيرى، حفظ مرزهاى خانواده و حفظ و تحقق هنجارهاى آن دارد.»24

 ساير نقش‏هاى خانواده عبارتند از: كاركردهايى كه ويژگى خانواده‏هاى خاصى است كه معمولاً دچار مشكلات مى‏شوند؛ مانند «سپر بلا»، «فرشته خانواده» و «ستمكش خانواده».25

 قرآن كريم در تخصيص نقش به منظور كاركردى سالم براى خانواده، برخى از نقش‏هاى ضرورى و نقش كنترل و حفظ نظام‏هاى خانواده را به مرد خانواده سپرده است تا تأمين امور مادى خانواده، حمايت از اعضاى خانواده، سرپرستى خانواده و فرايند تصميم‏گيرى و حفظ مرزهاى خانواده محقق شود؛ آنجا كه مى‏فرمايد: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاء بِمَا فَضَّلَ‏اللّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنفَقُواْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ»(نساء: 34)؛ مردان سرپرست زنان هستند؛ زيرا خداوند برخى از انسان‏ها را بر برخى ديگر برترى بخشيده است، و نيز از آن‏روى كه =مردان از اموال خويش [براى زنان] خرج مى‏كنند.

 امام باقر عليه‏السلام در زمينه تقسيم كار و اختصاص نقش كه رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آله براى حضرت فاطمه زهرا عليهاالسلام و اميرالمؤمنين عليه‏السلام در نظر گرفتند مى‏فرمايد: «چند روزى از ازدواج فاطمه عليهاالسلام و اميرالمؤمنين عليه‏السلامنگذشته بود كه خدمت پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله رسيدند و از ايشان تقاضا كردند كارها را ميان آن دو تقسيم كند. رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آله كارهاى خانه را به فاطمه عليهاالسلام سپردند و مسئوليت‏هاى خارج از منزل را به على عليه‏السلام واگذار كردند.» امام باقر عليه‏السلاممى‏فرمايد: «فاطمه عليهاالسلام فرمود: تنها خدا مى‏داند كه بازداشتن من از وظايف مردان چقدر مرا خوشحال كرد.»26

 يكى از نكات مهم در اين زمينه پايبند بودن اعضاى خانواده به تقسيم نقش و انجام وظايف محوله به آنهاست. اگر اختصاص نقش صورت بگيرد ولى اعضاى خانواده از نقش خود رضايت نداشته باشند نظام خانواده دچار مشكل مى‏شود. در سايه تقسيم نقش پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله و رضايتمندى دخترش، بالاترين آرامش براى فاطمه عليهاالسلام ايجاد شد كه از آن پس در پناه تلاش‏هاى اقتصادى و معيشتى همسر بزرگوار و مهربان خود به خانه‏دارى و تربيت فرزندان پرداخت.

 امام صادق عليه‏السلام مى‏فرمايند: «در سايه تقسيم نقشى كه پيامبر اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله بين فاطمه عليهاالسلام و اميرالمؤمنين عليه‏السلام ايجاد كرد، اميرالمؤمنين هيزم‏كشى مى‏كرد و آب مى‏آورد و جارو مى‏كرد و فاطمه عليهاالسلامگندم را آرد مى‏كرد و خمير مى‏نمود و نان مى‏پخت.»27

 4. دخالت عاطفى

يكى از نيازهاى اساسى اعضاى خانواده، نيازهاى عاطفى و هيجانى آنهاست كه عبارتند از: دوست داشتن، مورد محبت قرار گرفتن، عشق ورزيدن به ديگران، مورد حمايت قرار گرفتن از سوى اعضاى خانواده، شاد شدن به وسيله اعضاى خانواده و شاد كردن آنها و مانند اينها. بعضى از نيازهاى عاطفى مى‏تواند توسط افراد خارج از خانواده برآورده شود؛ مانند دوران طبيعى رشد و مقطع نوجوانى كه گرايش نوجوان به همسالان زياد است و از طريق دوستان و همسالان بعضى از نيازهاى عاطفى خود را ارضا مى‏كند. اما محيطى كه به شكل آرمانى مى‏تواند نيازهاى هيجانى و عاطفى اعضاى خود را ارضا نمايد خانواده است.

 يكى از كاركردهاى خانواده كه هم در الگوى مك مستر و هم الگوى فرايند مورد اشاره قرار گرفته، «دخالت عاطفى» است. استينهاور و همكارانش، دخالت عاطفى را اين‏گونه تعريف كرده‏اند: «درجه و كيفيت علاقه و نگرانى اعضاى خانواده نسبت به يكديگر را دخالت عاطفى مى‏گويند.»28

 براساس اينكه اعضاى خانواده چقدر به يكديگر علاقه دارند، نسبت به يكديگر احساس وظيفه مى‏كنند و با يكديگر درمى‏آميزند و شدت اين آميختگى چقدر است، دخالت عاطفى به انواع مختلف تقسيم مى‏شود.

 الگوى مك مستر و الگوى فرايند انواع دخالت عاطفى و درجه آميختگى اعضاى خانواده را اين‏گونه فهرست كرده‏اند:

الف. عدم دخالت (يا فقدان دخالت): اعضاى خانواده بيشتر «مانند غريبه‏ها در خانه‏اى بزرگ» زندگى مى‏كنند. آنها غالبا تنها هستند، كار به كار ديگرى ندارند، مشكل ديگرى مشكل او نمى‏باشد. هريك از اعضاى اين خانواده به فكر اين است كه مشكل خود را حل كند و گليم خود را از آب بيرون بكشد، در مقابل غم و رنج ساير اعضاى خانواده غمگين و رنجور نمى‏شوند. اعضاى اين خانواده كامروا نيستند.

ب. علاقه (يا دخالت): در چنين خانواده‏اى به نظر مى‏رسد آميختگى اعضاى خانواده با يكديگر، از احساس وظيفه و نيازى نشأت مى‏گيرد كه يك عضو نسبت به كنترل عضو ديگر دارد.

ج. آميختگى خودخواهانه: در اينجا عضوى از خانواده به منظور حفظ احساسات ارزشمند خويش با عضو ديگر همراه مى‏شود، نه به خاطر مراقبت يا نگرانى واقعى نسبت به وى، بلكه براى برآورده كردن نياز خود.

د. دخالت دلسوزانه: با توجه به درك واقعى نيازهايى كه هر فرد از اعضاى خانواده با آنها دست به گريبان است، به ساير اعضا علاقه نشان مى‏دهد و اين علاقه به پاسخ‏هايى مى‏انجامد كه اين نيازها را برآورده مى‏سازد.29

 اسلام به عنوان دينى جامع، به نيازهاى عاطفى توجه كافى مبذول داشته و تربيت انسان‏هايى حساس نسبت به نيازهاى عاطفى ديگران را وجهه همت خويش قرار داده است و از راه‏هاى گوناگون، از جمله ايجاد نگرش صحيح به مسئله و ترغيب آنان و نيز ارائه الگوهاى عملى، كوشيده براى برآوردن اين نياز اساسى بسترهاى مناسب را فراهم آورد.

 پيامبر گرامى صلى‏الله‏عليه‏و‏آله مى‏فرمايند: «اين سخن مرد كه به همسرش مى‏گويد: تو را دوست دارم هرگز از دل زن بيرون نمى‏رود.»30

 محبت در قلب زن نسبت به همسرش، و عشق در قلب مرد نسبت به همسرش از نشانه‏هاى وجود خداوند، و از نعمت‏هاى خاص پروردگار است و موجب صفا و صميميت در زندگى مى‏شود و بايد در جهت تداوم اين عشق و محبت كوشيد. خداوند در حديثى قدسى مى‏فرمايد: «آفريده‏ها عيال من هستند، محبوب‏ترين آنها نزد من، مهربان‏ترين ايشان به آفريده من است، و آنكه در راه برطرف كردن نيازشان سعى و كوشش بيشترى دارد.»31

 5. كنترل

اين بُعد از كاركرد خانواده، از تأثيرات اعضاى خانواده بر يكديگر شكل مى‏يابد. اعضاى خانواده مى‏توانند رفتار يكديگر را كنترل كنند. كنترل با سبك صحيح و ابزارهاى مناسب مى‏تواند موجب سازندگى و بالندگى اعضاى خانواده شود و در مقابل، سبك‏هاى كنترل غلط، بى‏تفاوتى، بى‏نظمى و تنبلى را بر خانواده حاكم مى‏نمايد.

 روان‏شناسان چهار سبك پايه براى كنترل رفتار اعضاى خانواده ارائه كرده‏اند: خشك، انعطاف‏پذير، بى‏تفاوت و هرج و مرج.32

1. كنترل خشك:33 اعضاى خانواده براى اينكه دچار مشكل نشوند سعى مى‏كنند رفتار يكديگر را كنترل كنند.يكى از سبك‏هاى كنترل كه ممكن است بر خانواده حاكم شود، سبك كنترل خشك است؛ با يك مقرّرات ثابت و غيرمنعطف و بدون در نظر گرفتن موقعيت‏هايى كه ممكن است براى خانواده پيش بيايد و نياز به هماهنگى با آنها باشد. اين سبك از كنترل قابليت پيش‏بينى بالايى دارد، اما سازندگى آن پايين است و قابليت سازگارى با تغييرات احتمالى در خانواده را ندارد. مثلاً، اگر فرد جديدى به اعضاى خانواده افزوده شود يا يكى از اعضا خانواده را ترك كند، ساختار خانواده به هم خواهد ريخت و احتمالاً اين سبك كنترل موفقيتى نخواهد داشت.

 نتيجه اين سبك كنترل در خانواده معمولاً انهدام، رفتار پرخاشگرانه، كشمكش قدرت و انتقال خشم به بيرون از خانواده خواهد بود.34

2. سبك‏هاى انعطاف‏پذير كنترل: در كنترل به سبك انعطاف‏پذير، اعضاى خانواده نوعى كنترل و محدوديت بر يكديگر اعمال مى‏كنند ولى اين كنترل مانع از استقلال و آزادى فكرى همديگر نمى‏شود. اين نظارت بر رفتار يكديگر سازنده و در جهت رشد و تعالى اعضاى خانواده است. مقرّرات موجود بر كنترل رفتار در اين سبك انعطاف‏پذير است و به نحو مقتضى با موقعيت‏هاى جديدى كه رخ مى‏دهد تغيير مى‏كند.

 اين سبك به انجام وظيفه اعضاى خانواده كمك مى‏كند؛ زيرا جوهره حمايتى و آموزشى آن اعضاى خانواده را به سوى شراكت و يكى شدن با آرمان‏ها و نقش‏هاى خانواده سوق مى‏دهد.35

3. سبك‏هاى بى‏تفاوت: اعضاى خانواده خواسته‏هاى خود را آن‏گونه كه مى‏خواهند بدان دست يابند دنبال مى‏كنند بدون اينكه از سوى ديگر اعضا احساس كنترل و تأثيرگذارى داشته باشند. آزادى مطلق حكمفرماست. كسى با كسى كارى ندارد، مى‏گذارند هر كس هر كارى مى‏خواهد انجام دهد. ديگرى دخالتى در كار او نمى‏كند.

 در خانواده‏هاى بى‏تفاوت همه چيز به حال خود است. تنبلى و بى‏سرانجامى بيش از سازمان‏يافتگى و عمل رواج دارد. معمولاً انجام وظيفه ضعيف است و اغلب مشكلاتى در روابط و تخصيص نقش وجود دارد. كودكان برخاسته از اين خانواده‏ها اغلب رفتار ناامن و توجه‏طلب دارند، و كنترل تكانه و انضباط ضعيفى نشان مى‏دهند. ورود به مدرسه كه همرنگى با هنجارهاى خاص رفتارى را طلب مى‏كند مى‏تواند براى آنها مشكل‏زا باشد.36

4. سبك‏هاى هرج و مرجى كنترل: اين سبك‏ها در يك طيف گسترده‏اى قابل تغيير است و از سبك خشك تا منعطف و بى‏تفاوت اعمال مى‏شود. هيچ‏كس نمى‏تواند پيش‏بينى كند كه اعضاى خانواده چه چيزى را مى‏توانند انتظار بكشند. تغيير در سبك‏هاى كنترل بر اساس هوا و هوس اعضاى خانواده صورت مى‏گيرد، نه بر اساس موقعيت خاص و نيازهاى خانواده.

 از آن‏رو كه يك كنترل مشخص و هماهنگ با نيازها وجود ندارد، فرزندان اين خانواده از ثبات روحى و روانى برخوردار نيستند. بى‏ثباتى و هرج و مرج مشخصه اين خانواده‏هاست و بروز رفتارهاى اخلاقى نابهنجار در تعاملات فردى و اجتماعى آنها كاملاً مشهود است.37

 الگويى كه آموزه‏هاى اسلامى در زمينه دخالت‏هاى عاطفى اعضاى خانواده مى‏دهد، الگوى مسئوليت سرپرست خانواده نسبت به ساير اعضاى آن مى‏باشد.

 قرآن كريم مى‏فرمايد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارا» (تحريم: 6)؛ اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد، خود و خانواده خود را از آتش‏دوزخ‏نگاه داريد.

 مرد به عنوان سرپرست خانواده وظيفه دارد خود و اعضاى خانواده را در جهت رشد متعادل و كمال انسان كمك كند و از مسائلى كه موجب اختلال در كاركرد خانواده مى‏شود جلوگيرى نمايد.

 علّامه مجلسى در ذيل آيه 6 سوره «تحريم» مى‏نويسد: براى اينكه سرپرست خانواده بتواند وظيفه و مسئوليت خود را نسبت به اعضاى خانواده انجام دهد بايد به چند مسئله توجه كند:

 1. دعوت اعضاى خانواده به بندگى خداوند؛

 2. فراهم كردن زمينه آموزش و فرايض و مسائل اخلاقى و تربيتى؛

 3. باز داشتن اعضاى خانواده از گرايش به رذايل و ناهنجارى‏ها؛

 4. تشويق آنان به انجام كارهاى پسنديده و فضايل انسانى.38

 اسلام از رفتارهاى مستبدانه و سختگيرانه با اعضاى خانواده منع مى‏كند39 و رعايت رفتار پسنديده را كمترين كارى مى‏داند كه براى استمرار صميميت در ميان همسران لازم است.40

 آموزه‏هاى اسلام با رد بى‏تفاوتى نسبت به سرنوشت اعضاى خانواده، آنان را مسئول اتفاقات و وقايع خانواده مى‏داند و توصيه مى‏كند كه نسبت به سرنوشت يكديگر حساس باشند.

 پيامبر گرامى صلى‏الله‏عليه‏و‏آله مى‏فرمايند: «كلكم راعٌ و كلكم مسئول عن رعيته»؛41 همه شما مراقب و نگاهبان يكديگريد و از آن سؤال مى‏شود.

نتيجه‏گيرى

در اين مقاله سعى كرديم كاركرد خانواده را از ديدگاه روان‏شناسى و با نگرش به منابع اسلامى مورد بررسى قرار دهيم، نتايج ذيل قابل بيان است:

 1. روان‏شناسان و جامعه‏شناسان، پنج كاركرد اساسى براى خانواده بيان كرده‏اند كه عبارتند از: انجام وظيفه، ايفاى نقش، ارتباط، دخالت عاطفى، و كنترل.

 2. وظايف خانواده، به سه طبقه قابل تقسيم است: وظايف پايه، وظايف تحولى و وظايف بحرانى. عدم توفيق در انجام وظايف در هريك از مراحل، خانواده را با مشكلات جدى مواجه مى‏كند.

 3. از ديدگاه اسلام انجام وظيفه در تأمين نيازهاى واجب‏النفقه جهاد در راه خدا دانسته شده است.

 4. ارتباط اعضاى خانواده، اعم از كلامى و غيركلامى، موجب آرامش روانى آنها و برتر از اعتكاف در مسجدالنبى دانسته شده است.

 5. انجام نقش‏ها در خانواده بايد براساس توافق صورت گيرد و متناسب با توانايى اعضاى خانواده باشد.

 6. اعضاى خانواده بايد نسبت به سرنوشت يكديگر احساس مسئوليت نمايند و دخالت عاطفى آنها براساس دخالت دلسوزانه باشد.

 7. كنترل اعضاى خانواده به وسيله يكديگر و ابزارهاى مناسب، مى‏تواند موجب بالندگى اعضاى خانواده شود.

··· منابع

ـ باركر، فيليپ، خانواده‏درمانى پايه، ترجمه محسن دهقانى و زهره دهقانى، تهران، رشد، 1382.

ـ برنشتاين، روبرت و مرى لن گيراند، وابستگى سالم، ترجمه مهدى قراچه‏داغى، تهران، پيك بهار، 1383.

ـ بستان، حسين، اسلام و جامعه‏شناسى خانواده، قم، پژوهشكده حوزه و دانشگاه، 1383.

ـ جمعى از مؤلفان، روان‏شناسى اجتماعى با نگرش به منابع اسلامى، قم، پژوهشكده حوزه و دانشگاه، 1382.

ـ جمعى از مؤلفان، روان‏شناسى رشد، قم، پژوهشكده حوزه و دانشگاه، 1375.

ـ حرّ عاملى، محمّدبن حسن، وسائل‏الشيعه، بيروت، دارالتراث العربى، بى‏تا.

ـ شرفى، محمّدرضا و همكاران، دانش خانواده، تهران، سمت، 1383.

ـ كلينى، محمّدبن يعقوب،اصول‏كافى،تهران،مكتبه‏الاسلامية،1379.

ـ ـــــ ، فروع كافى، تهران، مكتبة الاسلامية، 1379.

ـ مجلسى، محمّدباقر، بحارالانوار، بيروت، داراحياء التراث‏العربى، 1403.

ـ مينوچين، سالوادر و اچ. چارلز فيشمن، فنون خانواده‏درمانى، ترجمه فرشاد بهارى و فرح سيا، تهران، رشد، 1381.

ـ نورى، ميرزاحسين، مستدرك‏الوسائل، بيروت، مؤسسه آل‏البيت، 1408، چ دوم.

ـ هارجى، اون و همكاران، مهارت‏هاى اجتماعى در ارتباطات ميان‏فردى، ترجمه خشايار بيگى و مهرداد فيروزبخت، تهران، رشد، 1377.

- Hauer, Stein & other, The Process Model of Family Functioning, New York, Basic Book, 1984.

پى نوشت ها

1 كارشناس ارشد روان‏شناسى، مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى قدس‏سره. تاريخ دريافت: 10/3/88 ـ تاريخ پذيرش: 20/10/88.

2ـ محمّدباقر مجلسى، بحارالانوار، ج 103، ص 222.

3. William Ogburn.

4. Clark Tibbitts.

5ـ حسين بستان، اسلام و جامعه‏شناسى خانواده، ص 67.

6. Stein Hauer & others, The Process Model of Family Functioning Canadian Journal of Psychiary, 1984, p. 19.

7ـ حسين بستان، اسلام و جامعه‏شناسى خانواده، ص 79.

8ـ جمعى از مؤلفان، روان‏شناسى اجتماعى با نگرش به منابع اسلامى، ص 355.

9ـ محمّدرضا شرفى و همكاران، دانش خانواده، ص 110.

10ـ همان، ص 354.

11ـ محمّدباقر مجلسى، بحارالانوار، ج 104، ص 69.

12ـ ميرزا حسين نورى، مستدرك‏الوسائل، ج 2، ص 643.

13ـ محمّدبن حسن حرّ عاملى، وسائل‏الشيعه، ج 21، ص 567، ب «سقوط نفقة الزوجه».

14ـ محمّدبن يعقوب كلينى، كافى، ج 5، ص 88.

15ـ ميرزا حسين نورى، مستدرك‏الوسائل، ج 1، ص 462، ب 49.

16ـ محمّدبن حسن حرّ عاملى، وسائل‏الشيعه، ج 14، ص 130.

171. Brooks & Heath.

18ـ اون هارجى و همكاران، مهارت‏هاى اجتماعى در ارتباطات ميان فردى، ص 20، به نقل از: بروكس و هيث، ص 80.

19ـ روبرت برنشتاين و مرى لن گيراند، وابستگى سالم، ص 52.

20ـ اون هارجى و همكاران، مهارت‏هاى اجتماعى در ارتباطات ميان‏فردى، ص 51ـ52.

21ـ ميرزا حسين نورى، مستدرك‏الوسائل، ج 14، ص 244.

22ـ محمّدبن حسن حرّ عاملى، وسائل‏الشيعه، ج 14، ص 76.

23ـ فيليپ باركر، خانواده‏درمانى پايه، ص 100، به نقل از: استين هاور و همكاران.

24ـ همان.

25ـ همان.

26ـ محمّدباقر مجلسى، بحارالانوار، ج 43، ص 81.

27ـ همان، ج 43، ص 151.

28. P. D. Steinhauer & other, The Process Model of Family Functioning, p. 88.

29ـ فيليپ باركر، خانواده‏درمانى پايه، ص 102.

30ـ محمّدبن يعقوب كلينى، فروع كافى، ج 5، ص 569.

31ـ محمّدبن يعقوب كلينى، اصول كافى، ج 2، ص 199.

32ـ همان، ص 103.

33. Rigid Control.

34ـ سالوادر مينوچين و اچ. چارلز فيشمن، فنون خانواده‏درمانى، ص 310.

35ـ فيليپ باركر، خانواده‏درمانى پايه، ص 103.

36ـ همان، ص 103.

37ـ جمعى از مؤلفان، روان‏شناسى رشد، ج 2، ص 871.

38ـ محمّدباقر مجلسى، بحارالانوار، ج 71، ص 86.

39ـ همان، ج 76، ص 366.

40ـ همان، ج 79، 267.

41ـ همان، ج 75، ص 38، ب 35، ح 36.